

رئیس کل سازمان امور مالیاتی با اشاره به لزوم اصلاح و به روزرسانی بخش های اجرایی نظام مالیاتی گفت: یکی از موضوعات مهم پیش رو، اجرای تکلیف قانونی مربوط به حذف صورت حساب های کاغذی برای مودیان مشمول مالیات بر ارزش افزوده است. از تاریخ ۱ دی ماه، صورت حساب های کاغذی دیگر اعتبار نخواهند داشت و تنها صورت حساب های الکترونیکی از طریق سامانه های رسمی قابل قبول خواهند بود. سید محمد هادی سبحانیان در نشست هم اندیشی با فعالان اقتصادی و اصناف تهران، با اشاره به اهمیت برگزاری نشست های مشترک میان سازمان امور مالیاتی و فعالان اقتصادی، اظهار داشت: تجربه نشان داده است که برگزاری این جلسات نه برای رفع تکلیف، بلکه برای حل مسایل واقعی مودیان مالیاتی و اصلاح رویه های نظام مالیاتی کشور است. خوشبختانه در بسیاری از موارد، تصمیمات اتخاذ شده در این جلسات منجر به اصلاح رویه ها و بهبود فرآیندها شده است. وی با بیان اینکه دولت و سازمان امور مالیاتی در سال جاری تلاش کردند سیاست مالیات ستانی را بر مبنای واقعیت های اقتصادی کشور تنظیم کنند، افزود: با حمایت رییس جمهور و وزیر امور اقتصادی و دارایی، موفق شدیم برخی اصلاحات ساختاری و زیرساختی را در نظام مالیاتی کشور به سرانجام برسانیم. از جمله دستاوردها، تسهیل فرآیندهای مالیاتی از طریق درگاه های وزارتخانه و حرکت به سوی شفافیت و قانون گرایی است.

رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور تأکید کرد: رویکرد نظام مالیاتی کشور، فاصله گرفتن از روش های سنتی و حرکت به سوی یک نظام مالیاتی هوشمند و سیستمی است. در نظام سنتی، تفاوت در تشخیص ها و تصمیم های مأموران گاه به نارضایتی و احساس بی عدالتی میان مودیان می انجامید. هدف ما این است که با بهره گیری از فناوری و تحلیل داده، عدالت مالیاتی را در عمل محقق کنیم. سبحانیان ضمن اذعان به اینکه تحول در نظام مالیاتی کشور نیازمند همکاری متقابل میان سازمان و فعالان اقتصادی است، خاطرنشان کرد: همان گونه که ما موریت ما اصلاح فرآیندها و حذف سلیقه ها از نظام مالیاتی است، مودیان نیز باید همکاری لازم را در ارائه اسناد و اطلاعات به صورت شفاف و سیستمی داشته باشند تا دآوری دقیق تری در فرآیند تشخیص صورت گیرد.

معاون وزیر امور اقتصادی و دارایی با تأکید بر لزوم استمرار این جلسات، گفت: هدف از گفتگو و برگزاری جلسات، حل مساله با مشارکت واقعی اصناف و فعالان اقتصادی است. امیدواریم این هم افزایی بتواند مسیر اصلاحات را هموارتر و نظام مالیاتی کشور را عادلانه تر و کارآمدتر کند. وی با تأکید بر اینکه جلسات مشترک با اصناف فرصتی برای هم فکری و تبیین متقابل تکالیف است، افزود: باور ما این است که در حد اختیارات قانونی خود، باید تکالیف مالیاتی اصناف و فعالان اقتصادی را سبک تر کنیم. خوشبختانه آمارها نشان می دهد که تعداد اظهارنامه های دریافتی نسبت به سال قبل تقریباً نصف شده و بیشتر مودیان از ظرفیت تبصره ماده ۱۰۰ قانون مالیات های مستقیم استفاده کرده اند که این امر هم به نفع مودیان و هم سازمان بوده و موجب شفافیت و سهولت کار شده است. «بخشیان از اقدام سازمان در سیستمی سازی فرآیند بخشودگی جرایم مالیاتی خبر داد و گفت: در گذشته میزان بخشودگی در شعب مختلف متفاوت بود، اما اکنون در حال طراحی سامانه ای هستیم که بخشودگی ها به صورت الکترونیکی و بر اساس ضوابط واحد انجام شود تا مودیان با مارجعه حضوری به ادارات مالیاتی مواجه نباشند و از عدالت بیشتری بهره مند شوند. وی در ادامه اظهار داشت: برای کاهش مراجعات حضوری و تسهیل در فرآیندها، سقف تبصره ماده ۱۰۰ را نیز افزایش داده ایم و برخی اسناد نیاز فرض را در سامانه لحاظ کرده ایم تا مودیان نیاز به حضور در ادارات مالیاتی نداشته باشند. مسیر ما روشن است؛ کاهش پیچیدگی ها و حرکت به سمت نظامی ساده، شفاف و هوشمند. رئیس کل سازمان امور مالیاتی با اشاره به لزوم اصلاح و به روزرسانی بخش های اجرایی نظام مالیاتی گفت: یکی از موضوعات مهم پیش رو، اجرای تکلیف قانونی مربوط به حذف صورت حساب های کاغذی برای مودیان مشمول مالیات بر ارزش افزوده است. از تاریخ ۱ دی ماه، صورت حساب های کاغذی دیگر اعتبار نخواهند داشت و تنها صورت حساب های الکترونیکی از طریق سامانه های رسمی قابل قبول خواهند بود. وی تأکید کرد: سازمان امور مالیاتی در چارچوب قانون عمل می کند و هیچ بخش ناماهی صادر نمی شود مگر پس از انتشار عمومی و دریافت نظر کارشناسان و ذی نفعان در درگاه سازمان. هدف ما تحقق حکمرانی هوشمند در حوزه مالیاتی است؛ مسیری که تنها با همراهی اصناف، شفافیت داده ها و اجرای دقیق قانون ممکن خواهد شد. معاون وزیر امور اقتصادی و دارایی در ادامه تأکید کرد: هدف سازمان امور مالیاتی از اعمال جریمه ها کسب درآمد نیست، بلکه جریمه ابزاری برای تشویق تمکین مودیان و ایجاد عدالت مالیاتی است. سبحانیان با اشاره به برخی برداشتهای نادرست در فضای عمومی گفت: برخلاف آنچه گاهی مطرح می شود، سازمان امور مالیاتی نگاه درآمدی به جریمه ها ندارد. قانون گذار جریمه را برای این وضع کرده که تخلف مالیاتی کاهش پیدا کند، نه اینکه درآمد دولت افزایش یابد. هنگامی که دولت یا مجلس منابع زیادی را پیش بینی می کند، هیچ کار روی جریمه حساب باز نمی کنند.

«آرمان ملی» در گفت وگو با حسین راغفر بررسی کرد

بهبود سفره مردم

در گرو معرفی

الیگارش های بازار ارز



معرفی بازیگران در سایه بازار ارز، مطالبه مردمی

سفره مردم در محاق بازیگران پنهان بازار ارز

آرمان ملی – صدیقۀ بهزادپور: افزایش قیمت ارز از سال های دور در کشور، همواره واکنشی به رویدادهای سیاسی، امنیتی و... بوده است که کمتر دلیلی برای آن در حوزه اقتصادی می توان یافت و معمولاً دست های پشت پرده این واقعه، الیگارش هایی در جامعه بوده اند که دارای نفوذ بسیار در حوزه مختلف حاکمیتی داشتند و در حقیقت گردانندگان اصلی بازار ارز و اقتصاد بوده اند که منافع خود را دنبال می کردند که البته در نهایت حتی شاید اندیشۀ براندازی نظام

نوسانات نرخ ارز در کشور از معمول ترین رویکردها و واکنش ها به بخش اقتصادی است که البته پیش از همه باعث آسیب رسانی به مردم و معیشت آنها می شود.

تعلیل شما در این باره چیست. بر اساس بررسی های صورت گرفته حدود ۴۲ درصد از جمعیت کشور دچار فقر مطلق هستند و علاوه بر آن حدود ۷ میلیون نفر هم دچار گرسنگی هستند یعنی زیر خط فقر که این شرایط قطعاً جهت تأمین حداقل معیشت دشواری های بسیاری ایجاد می کند و البته با آسیب های اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی بسیاری همراه خواهد بود. قطعاً نرخ ارز در کشور بر حوزه های مختلف بازار تأثیرات بسیاری را می گذارد و از آنجا که قیمت ارز اخیراً افزایش و نوسانات بسیاری را تجربه کرده که حتی تا ستانه ۱۲۰ هزار تومان هم رسید، کشور را در بخش های مختلف به چالش های جدی کشانده و به ویژه برای تأمین معیشت طبقات آسیب پذیر جامعه دشواری های جدی ایجاد کرده است که در نهایت به خالی شدن بیشتر سفره آنها می انجامد و تهیه اقلام اساسی را برایشان سخت تر از گذشته می کند. قطعاً یکی از عوامل کلیدی که به رشد فقر در ایران کمک می کند، نوسانات قیمت ارز است. افزایش قیمت ارز به شدت بر تأمین کالاهای اساسی و خدمات تأثیر می گذارد و به تبع آن، معیشت مردم را تحت فشار قرار می دهد. با افزایش قیمت ارز، تأمین بسیاری از اقلام اساسی برای خانوارها به شدت دشوار شده است. این در حالی است که بسیاری از دلالتان با نرخ ارز بازی می کنند، نوسانات قیمت ارز و تأثیر آن بر معیشت مردم، چالش هایی را به وجود آورده که باید با سیاست های مناسب و حمایت های اقتصادی، بهبود یابد. در غیر این صورت، ادامه این روند می تواند به تشدید فقر و نارضایتی اجتماعی منجر شود.

تا توانی در کنترل بازار ارز در کشور به توجه به تأثیرات بسیار آن در بین اقشار آسیب پذیر به چه دلیل است و چه گرونی که با قدرت های پنهان و آشکار همواره سعی می کنند که با تغییرات و نوسان بازی ارز، وضعیت اقتصادی کشور و همچنین سیاسی را در اختیار خود گیرند؟

در شرایط کنونی، بسیاری از افراد و گروه ها بازار را در اختیار دارند و از تحولات سیاسی و منطقه ای برای افزایش و کاهش قیمت ارز بهره برداری می کنند. این افراد با توجه به منافع شخصی خود، سعی می کنند قیمت ارز را تحت کنترل خود درآورند و از این طریق به سود بیشتری دست یابند. در حقیقت تحولات سیاسی و منطقه ای در ایران بر قیمت ارز تأثیرگذار است. این نوسانات نه تنها به اقتصاد کشور آسیب می زند، بلکه باعث می شود که قشر آسیب پذیر جامعه هر روز بیشتر از قبل تحت فشار قرار گیرد. در این شرایط متلاطم، برخی از افراد هم سعی می کنند تا با تأثیرگذاری و در اختیار گرفتن برخی نمایندگان مجلس و دولتی ها و... سعی دارند تا بازار ارز را به نفع منافع شخصی خود کنترل کنند. این اقدام ها به نوعی نشان دهندۀ عدم توجه به وضعیت معیشتی مردم و نیازهای واقعی جامعه است. در غیر این صورت نمی توان اینگونه برداشت کرد که مسائل جهانی اقتدر بر ایران که از بسیاری از شاخص های تأثیرگذار بین المللی فاصله دارد، اینطور تأثیر بگذارد که با هر اتفاقی شاهد نوسان شدید نرخ ارز یا طلا باشیم.

به اعتقاد شما قریبانیان اصلی در این میان چه کسانی هستند و آیا نمی شود با داربیت و نظارت بیشتر مانع از تشدید بی ثباتی اقتصادی که سهم مؤثری در سفره های مردم دارد، شد؟

آنچه که در این دایره بازی قربانی می شود، قشر آسیب پذیر جامعه است. هر روز بر تعداد افرادی که زیر خط فقر قرار دارند افزوده می شود و این وضعیت اگر کنترل نشود به یک بحران اجتماعی تبدیل خواهد شد. می توان از این وضعیت به عنوان یک فاجعه یاد کرد، چرا که در سایه منافع شخصی عده ای، زندگی و معیشت میلیون ها نفر به خطر می افتد. در حال حاضر ساختار قدرت ما با ارتباط تنگاتنگی با ساختار اقتصادی دارد و در این رابطه بسیاری هستند که با خریدن سیاست گذاران و... هر آنچه که مایل هستند و مطابق میل و منافع شخصی آنهاست، ریل گذاری می کنند و حتی در این اندیشه براندازی حکومت را نیز در سر می پروارند. از این رو دولت باید در این رابطه بسیار با قدرت و شفافیت اعمال نظر کند و اصلاحاتی را انجام دهد.

با توجه به صحبت های شما، به نظر تان چه اصلاحاتی در این زمینه به منظور اصلاح تأثیرات بخش سیاسی در اقتصادی باید صورت گیرد تا بتوان از پیامدهای نامطلوب

قیمت مرغ تغییر می کند؟

در حالی که قیمت مرغ تحت تأثیر جهش هزینه های تولید و کاهش چوجه ریزی رویه افزایش گذاشته، فعالان صنعت طیور می گویند کمبود نهاده های دامی و تداوم انحصار در واردات نژاد، اصلی ترین عوامل بی ثباتی بازار هستند؛ عواملی که اگر اصلاح نشوند، خطر تداوم گرانی و افت تولید در ماه های آینده جدی تر خواهد شد.

بازار مرغ کشور در ماه های اخیر بار دیگر به نقطه جوش رسیده؛ نقطه ای که این بار نه تنها ناشی از نوسانات قیمت ارز یا تغییرات فصلی چوجه ریزی، بلکه حاصل ترکیب پیچیده ای از ناکارآمدی در تأمین نهاده، انحصار در واردات نژاد مرغ و ساختار معیوب تخصیص ارز است. به همان اندازه که نگاه مردم به مرغ به عنوان ارزان ترین منبع پروتئین وابسته است، تولیدکننده نیز به دورکن همیشگی این صنعت – نهاده و نژاد – متکی است؛ رکن هایی که هر دو امروز گرفتار گرهای سیاسی شده اند.

فرزاد طلکش – دبیرکل فدراسیون طیور ایران – در نشست ویژه اتاق ایران تصویر روشن تری از این بحران ارائه کرد؛ تصویری که اگرچه پیش تر نیز نشانه های آن در بازار دیده می شد، اما اکنون با آمارهای دقیق و هشدارهای صریح، ابعاد واقعی تری یافته است. به گفته او، سامانه بازارگاه که از سال ۱۳۹۸ با هدف تنظیم شفاف بازار نهاده ایجاد شد، امروز نه تنها سازگار کارآمدی برای تأمین خوراک طیور ارائه نمی دهد بلکه به دلیل الزام تولیدکننده به پیش پرداخت های سنگین و انتظار چند ماهه برای ورود کالا، عملاً به مانعی برای تولید تبدیل شده است. این فاصله زمانی باعث می شود مرغداران برای تأمین نیاز فوری خود به بازار آزاد پناه ببرند؛ بازاری که قیمت های آن تحت تأثیر کمبود، دلالتی بی ثباتی ارز، روز به روز از توان تولیدکننده بیشتر فاصله می گیرد.

طی ماه های گذشته بارها خبر رسیده که چند میلیون تن نهاده در صف تخصیص ارز با تریخص مانده و مرغداران مجبور هستند با هزینه تمام شده ای نزدیک به ۸۵ هزار تومان برای هر کیلو مرغ، به تولید ادامه دهند؛ رقمی که با نرخ های فروش در بازار همخوانی ندارد. حتی بانک مرکزی اعلام کرده سال گذشته بیش از ۶ میلیارد دلار ارز برای واردات نهاده تخصیص یافته، اما نتیجه آن در بازار به شکل افزایش بیش از ۶۰ درصدی قیمت مرغ و جهش قیمت تخم مرغ تا حدود ۲۵۰ هزار تومان برای هر شانه دیده شده است. این تناقض، پرسش مهمی را پیش می کشد: مسیر تخصیص ارز راجاست و چرا با وجود ارقام سنگین واردات، بازار همچنان با کمبود و التهاب مواجه است؟

اما بحران نهاده تنها یک ضلع ماجراست. ضلع دوم، بحران نژاد مرغ در کشور است؛ جایی که تصمیمات چند سال اخیر در حوزه «سویه آری» بازار را به سمت بی ثباتی بیشتری سوق داده است. طرح ملی آرین با هدف خودکفایی در تولید نژاد بومی آغاز شد، اما به گفته طلکش، به دلیل اجرای غلط، نه تنها به و جهش قیمت نرسید، بلکه موجب توقف واردات نژاد های بهره ور جهانی مانند «راس ۳۰۸» شد؛ نژادی که بیش از ۷۰ درصد مرغ تولیدی جهان را تأمین می کند. توقف واردات این نژاد و سپرده شدن انحصار آن به یک سازمان شبه دولتی، از نگاه فعالان صنعت اقدامی خلاف اصول رقابت و قانون اساسی بوده است. نتیجه نیز روشن است: کاهش بهره وری، افزایش تلفات و افت کیفیت تولید.

این تحولات زنجیروار حالا خود را در بازار نشان می دهد. کاهش چوجه ریزی به دلیل کمبود نهاده، افت استاندارد وزنی مرغ ها به دلیل هزینه های تولید و عقب ماندگی نژادی، همگی دست به دست هم داده و تولید را در مسیر کاهش طبیعی قرار داده اند. در چنین شرایطی هرگونه تکانه ارزی، هر تأخیر در تخصیص ارز و هر محدودیت جدید در واردات می تواند قیمت ها را تحت تأثیر قرار دهد و موج تازه ای از گرانی را رقم بزند.

طلاکش در تحلیل خود از وضعیت مالی بازار نیز به نکته مهمی اشاره می کند: در سال گذشته حدود ۶۰۸ میلیارد دلار برای واردات جو، ذرت و سویا هزینه شده و اگر دولت از سیاست ارز ترجیحی فاصله بگیرد، در نرخ های ۷۲ تا ۱۰۰ هزار تومانی، درآمدی بین ۲۹۸ تا ۴۹۸ تریلیون خواهد داشت. اما در مقابل، بارانه مورد نیاز برای مرغ و تخم مرغ به مراتب کمتر است؛ موضوعی که از نگاه او نشان می دهد آزادسازی ارز، با طراحی درست، نه تنها توجری نخواهد بود بلکه قابل جبران است. پیشنهاد او نیز روشن است: تأمین ۱۰۰۰ ممت تسهیلات ارزان قیمت برای تولیدکنندگان و ایجاد «کارت خرید پروتئین» به جای پرداخت بارانه نقدی؛ روشی که هم تولیدکننده و هم مصرف کننده را هم زمان حمایت می کند.

در نهایت، اگرچه صنایع غذایی اتاق ایران این هشدارها را با جدیت شنیده، اما تصمیم نهایی با دولت است؛ دولتی که باید در مورد سه گره اصلی – آزادسازی ارز نهاده ها، رفع انحصار نژاد و بازنگری در سامانه بازارگاه – تصمیم های فوری و شفاف اتخاذ کند. صنعت طیور نه تنها یک بخش اقتصادی، بلکه محور امنیت غذایی کشور است و کمبود مرغ و تخم مرغ می تواند به سرعت تبدیل به بحران اجتماعی شود. اکنون بیش از هر زمان دیگری، مسیر این بازار به تصمیم هایی گره خورده که اگر با تأخیر اتخاذ شود، احتمالاً هزینه بیشتری بر دوش جامعه خواهد گذاشت.

طی دو هفته گذشته نیز تولیدکنندگان در مقابل وزارت جهاد کشاورزی تجمع کردند تا تولید و صنعت خود را از نبود نهاده ودان نجات دهند که در نهایت حلسه ای با حضور هومن فتحی – سرپرست معاونت توسعه بازرگانی – برگزار شد که در این جلسه وعده داده شد تا ۷۰ هزار تن از نهاده مورد نیاز تولیدکنندگان طی ۲۴ ساعت به آن ها تخصیص داده شود و از سامانه بازارگاه بدون ارتباط و واسطه و به طور مستقیم نهاده مورد نیاز خود را تأمین کنند که تولیدکنندگان در گفتگو با رسانه ها کردند که پس از گذشت دو هفته از این وعده تنها ۴ هزار تن از میزان مطرح شده در میان تولیدکنندگان توزیع شده است.

طی همان روزها نیز تولید کنندگان هشدار دادند که با تداوم شرایط فعلی و کمبود نهاده قیمت مرغ و تخم مرغ دچار افزایش قیمت خواهد شد، چرا که هم هزینه تمام شده برای تولید بسیار بالاست و هم نهاده و اندازه کافی وجود ندارد و به همین دلیل نیز قیمت این محصول در بازار نیز افزایشی خواهد بود. بر اساس مشاهدات میدانی ایسنا از مغازه های سطح شهر روز ۲۴ آبان ماه سینه مرغ بدون استخوان با نرخ ۳۲۹ هزار و ۸۰۰ تومان عرضه شد. همچنین قیمت مرغ کامل ۲۰۰ کیلو و ۳۰۰ تا گرمی ۳۳۷ هزار و ۱۲۵ تومان، مغز ران مرغ بدون پوست بدون استخوان ۲۳۳ هزار تومان، ساق مرغ بدون پوست و سر ساق ۲۶۶ هزار تومان، ران و سینه مرغ یک کیلوگرم ۲۷۲ هزار و ۲۵۰ تومان، فیله مرغ ۲۸۰ هزار تومان عرضه می شود.

را در راستای حمایت از اسرائیل و آمریکا دنبال می کردند. کارشناسان معتقدند تا زمانی که تمام حاکمیت به صورت واحد درصدد شفاف سازی و مقابله با فساد در حوزه های مختلف نباشند نمی توان امیدی به بهبود وضعیت اقتصادی و معیشت و سفره مردم که همواره فراموش شده ترین بخش هستند، داشت. در این رابطه با حسین راغفر تحلیلگر اقتصادی گفت وگو کرده ایم که در ذیل مشاهده می کنید.

کاهش نرخ سرمایه گذاری در کشور طی سالیان اخیر، یکی از رویکردهایی است که به دنبال افزایش نرخ ارز و بی ثباتی در بخش اقتصادی صورت گرفته است. در این رابطه آیا می توان اقدامی به عمل آورد؟

افزایش نرخ ارز در کشور به طور مستقیم به باور ایجاد بی ثباتی در بازار ارز و وضعیت اقتصادی کمک می کند. این بی ثباتی به کاهش نرخ سرمایه گذاری منجر می شود، زیرا سرمایه گذاران به دلیل عدم اطمینان از آینده اقتصادی، تمایلی به سرمایه گذاری در کشور ندارند. در نتیجه، کاهش سرمایه گذاری به کاهش ارزش پول ملی و ناهماهنگی های اقتصادی دامن می زند. این ناهماهنگی و بی ثباتی در نهایت به فقر و افزایش نارضایتی عمومی منجر می شود. کاهش تولید به دلیل عدم سرمایه گذاری بی ثباتی اقتصادی، به کاهش درآمد های ملی و در نتیجه به کاهش منافع اقتصادی کشور می انجامد. این وضعیت به نفع الیگارش ها و صاحبان زر و زور است که از این شرایط بهره برداری می کنند و کشور را از ثبات اقتصادی دور می کنند. قطعاً، افزایش قیمت ارز و کاهش ارزش پول ملی به بی ثباتی های اقتصادی و اجتماعی منجر می شود که به نارضایتی مردم و افزایش قیمت ها دامن می زند. برای مقابله با این وضعیت، نیاز است که دولت با اتخاذ سیاست های اقتصادی مناسب و تقویت نظارت بر بازار، به این چالش ها پاسخ دهد و از نفوذ الیگارش ها جلوگیری کند. این اقدامات می تواند به بهبود وضعیت اقتصادی و افزایش اعتماد عمومی کمک کند.

گسترش فقر از پیامدهای افزایش نرخ ارز در کشور است که به افزایش قیمت اقدام اساسی و ناتوانی قدرت خرید مردم می انجامد که نتیجه آن فارغ از فعالیت الیگارش ها، متوجه مردم دولت است. در این زمینه چه راهکاری وجود دارد؟

یکی از دلایل اصلی این وضعیت، عدم درک صحیح اقتصاددانان و مسئولان از مسائل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است. این عدم درک باعث می شود که تصمیمات اقتصادی به طور مؤثری اتخاذ نشود و در نتیجه، افرادی که به دنبال سوءاستفاده از این شرایط هستند، از ابزارهای اقتصادی مانند افزایش نرخ ارز بهره برداری می کنند. این افزایش نرخ ارز نه تنها بر معیشت مردم تأثیر منفی می گذارد، بلکه به نارضایتی عمومی و بی ثباتی اجتماعی نیز دامن می زند. برای مقابله با این چالش ها، نیاز است که مسئولان اقتصادی با درک صحیح از شرایط و اتخاذ تصمیمات مؤثر، به بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی کشور کمک کنند. همچنین، آگاهی بخشی به مردم درباره این مسائل و تشخیص اهداف سوءاستفادگران می تواند به افزایش هوشیاری جامعه و کاهش تأثیرات منفی این افراد کمک کند.

آیا رویادهای جهانی مانند افزایش نرخ طلای جهانی در ایران بی تأثیر است و همه چالش های از داخل نشأت می گیرد؟

البته نوسانات نرخ طلا و ارز در ایران به ویژه تحت تأثیر تحولات جهانی هم قرار دارد، اما آنچه که در ایران مشاهده می شود، به طور خاص و بی سابقه است. در هیچ کجای دنیا شاهد افزایش این چنینی نرخ ارز و کاهش ارزش پول ملی نبوده ایم. این وضعیت نشان دهنده وجود مشکلات عمیق تری در ساختار اقتصادی کشور است و نمی توان آن را صرفاً به تحولات جهانی نسبت داد. در حقیقت ایران در معادلات اقتصادی کلان بین المللی آنقدر تأثیرگذار نیست که بتوان افزایش نرخ طلا در بازارهای جهانی را به طور مستقیم به افزایش قیمت ارز و طلا در ایران نسبت داد. در واقع، بیشتر عواملی که بر نوسانات نرخ ارز تأثیر می گذارند، ناشی از فعالیت های دلالتان و الیگارش هایی هستند که به دنبال منافع شخصی خود هستند و در این مسیر، کشور را به سمت سقوط می برند. دلالتان با استفاده از نوسانات اقتصادی و اجتماعی، سعی دارند تا به منافع خود دست یابند و در این بین، برخی از سیاست گذاران نیز ممکن است تحت تأثیر این افراد قرار بگیرند.

برای مقابله با این معضل چه باید کرد؟

برای مقابله با چالش های اقتصادی و اجتماعی که کشور با آن مواجه است، ایجاد هماهنگی کامل بین نهادهای مؤثر و تأثیرگذار ضروری است. دولت باید حاکمیت، ضروری است. این هماهنگی می تواند به ایجاد یک استراتژی جامع و مؤثر برای مقابله با دلالتان و الیگارش ها منجر شود. حاکمیت باید در برابر این مسائل ایستادگی کند و با اتخاذ تصمیمات قاطع و مؤثر، به مقابله با چالش ها بپردازد. این ایستادگی به معنای همکاری نزدیک بین بانک مرکزی، وزارت اقتصاد، قوه قضائیه، مجلس و سایر نهاد های مرتبط است. هر یک از این نهاد ها باید نقش خود را در این راستا به خوبی ایفا کنند و با همکاری یکدیگر، به بررسی های اساسی و کارشناسی بپردازند.

بی ثباتی در موضوع ارز به نفع افرادی است که در راستای منافع آمریکا و اسرائیل فعالیت می کنند. آنها با ایجاد نارضایتی، سعی دارند تا اهداف خود را پیش ببرند و از این طریق به فشار بر دولت و مردم افزوده می شود

آن مصون ماند؟

ارتباط ساختار قدرت و اقتصاد نیازمند توجه جدی و اصلاحات اساسی است. دولت باید با شفافیت و قدرت، اقداماتی را انجام دهد که به نفع مردم و به ویژه قشر آسیب پذیر باشد. در غیر این صورت، ادامه این روند می تواند به تشدید بحران های اقتصادی و اجتماعی منجر شود. در حقیقت افزایش قیمت ارز در سالیان گذشته هیچ وقت در کشور ما مبنای علمی و عملی نداشته بلکه قدرت بالا پایین کردن و یا قیمت گذاری ارز در کشور همواره در اختیار الیگارش ها و صاحبان زر و زوری بوده که آن را به نفع خود تنظیم می کردند بسیاری از افراد که در داخل کشور این کارهای مخرب را انجام می دهند، افرادی هستند که همسو با سیاست گذاری های آمریکا و اسرائیل در کشور فعالیت می کنند و درصدد براندازی هستند. دولت باید با شفافیت و قدرت، نظارت بیشتری بر بازار ارز داشته باشد و از نفوذ الیگارش ها جلوگیری کند.

گردانندگان بازار ارز و بازی های سیاسی که در بخش اقتصادی و به خصوص حوزه نرخ می دهد. در نهایت به چه می اندیشند و چه نبعثاتی برای کشور و مردم خواهند داشت؟

آنچه که درباره ارز و نوسانات نرخ آن در کشور رخ می دهد، بازو های سیاسی و اقتصادی است که توسط برخی افراد و گروه ها انجام می شود. این بازی ها نه تنها بر بازار را تأثیر می گذارد، بلکه می تواند مسئولان را نیز در دام خود گرفتار کند. در بسیاری از مواقع، تصمیم گیرندگان به دلیل عدم آگاهی یا فشارهای سیاسی، تحت تأثیر این بازی ها قرار می گیرند و ممکن است حتی خودشان نیز قربانی این وضعیت شوند. بی ثباتی در موضوع ارز به نفع افرادی است که در راستای منافع آمریکا و اسرائیل فعالیت می کنند. آنها با ایجاد نارضایتی و بی اعتمادی در جامعه، سعی دارند تا اهداف خود را پیش ببرند و از این طریق به فشار بر دولت و مردم افزوده می شود. برای مقابله با این وضعیت، نیاز است که دولت و نهادهای مربوطه با دقت بیشتری به بازار ارز و نوسانات آن نظارت کنند.

آیا افرادی که در بازار ارز حضور دارند، سهمی در تعیین سیاست های اقتصادی کشور به طور خاص هم دارند؟

بله، این افراد در حقیقت به دنبال این هستند که این بی ثباتی و کمبود منابع ارزی را در کشور القا کنند. در بی این شرایط، این افراد تلاش می کنند تا این باور را ایجاد کنند که برای جبران کمبود منابع ارزی و بی ثباتی اقتصادی، افزایش قیمت حامل های انرژی ضروری است. این اقدام می تواند به افزایش هزینه های زندگی مردم منجر شود و فشار بیشتری بر قشر آسیب پذیر جامعه وارد کند. در واقع، این افراد با استفاده از شرایط موجود، سعی دارند تا منافع خود را تأمین کنند و در این راستا، منافع عمومی را نادیده می گیرند. برای مقابله با این وضعیت، دولت باید با شفافیت و قدرت بیشتری به این بازی ها پاسخ دهد. اتخاذ سیاست های اقتصادی مناسب و جلوگیری از افزایش بی رویه قیمت حامل های انرژی می تواند به کاهش فشار بر مردم و بهبود وضعیت اقتصادی کمک کند. همچنین، آگاهی بخشی به جامعه درباره این بازی های سیاسی و اقتصادی می تواند به افزایش هوشیاری مردم و کاهش تأثیرات منفی این افراد کمک کند.

در هیچ کجای دنیا شاهد افزایش این چنینی نرخ ارز و کاهش ارزش پول ملی نبوده ایم. این وضعیت نشان دهنده وجود مشکلات عمیق تری در ساختار اقتصادی کشور است و نمی توان آن را صرفاً به تحولات جهانی نسبت داد